گفت وگو با رسول جعفریان به بهانه چاپ هفتم کتاب «جریان ها و سازمان های مذهبی ـ سیاسی ایران»

روند ۳۷ ساله جریان های مذهبی ـ سیاسی

به دلایل نه چندان روشنی از دیرباز، تاریخ نگاری در ایران به صورت ضعیفی پیگیری می شده است. این مشکل هنوز و حتی در مورد تاریخ معاصر نیز دیده می شود. در این میان یکی از فعال ترین پژوهشگران تاریخ نگار رسول جعفریان است. یکی از آثار وی کتاب «جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران» طی چند سال بارها تجدید چاپ شد. یکی از خصوصیات این کتاب آن بود که در هر چاپ مجدد مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حتی در نوبت هفتم (سال ۱۳۸۶) نیز اضافاتی نسبت به نوبت های پیشین دیده می شود. وی هنوز هم سعی می کند وقایع مذهبی - سیاسی را از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در قالب سازمان ها و نهادها تشریح کند. در ادامه گفت وگویی را خواهید خواند که در رابطه با همان کتاب صورت گرفته است.

[گفت و گو از: علیرضا سمیعی]

■ لطفاً در مورد چگونگی نگارش کتاب قدری توضیح دهید.

علاقه من به تاریخ معاصر به سال های ۶۴ - ۶۳ بر می گردد. نخستین موضوع مورد علاقه من موضوع مشروطه بخصوص بحث تحصن در سفارت انگلیس بود که بعد ها کتابی هم در این باره نوشتم. بعد ها درس ریشه های انقلاب مطرح شد و من هم نوشته ای برای کلاس در این زمینه تدوین کردم که به صورت محدود چاپ شد و عنوان آن «ذهنیت غربی در تاریخ معاصر ایران» بود. به تدریج بحث از تاریخ معاصر را به حاشیه راندم. چون سرگرم تاریخ اسلام و تاریخ تشیع و بعد هم تاریخ صفوی بودم. در سال ۷۸ بود که کلاسی برای عده ای از دانشجویان درباره جریان شناسی تاریخ معاصر داشتم. یک خلاصه چهل صفحه ای درباره افکار و اندیشه های اساسی که در دوره پیش از انقلاب بود نوشتم. آن نوشته پایه کتابی شد که سال بعد به عنوان «جریان ها و جنبش های مذهبی در میان سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷» نوشتم.

■ چگونه است که کتاب در هر چاپ تغییر می کند؟

من از اوائل کار پژوهشی یک رسمی را از یکی از استادانم به ارث بردم و آن این که وقتی کتابی چاپ می کردم و به موضوع آن علاقه داشتم، یک نسخه را به عنوان نسخه اصل انتخاب کرده حواشی و اضافاتی را کنارش می نوشتم. اما از زمانی که کار نوشتن را با رایانه انجام می دادم شاید حوالی سال های ۷۲ به بعد و دیگر با دست چیزی ننوشتم، این امکان را داشتم که اضافات را در رایانه اضافه می کردم و راحت تر بودم. بر اساس همین رویه بود که بلافاصله بعد از چاپ اول شروع به اصلاح کتاب کردم. واکنش نسبت به کتاب هم جالب بود. نقد های چندی از طرف دوستان نوشته و تحویل خودم شد. تعداد آنها واقعاً قابل توجه بود. دلیلش هم این بود که کتاب برای نسلی بود که خود درگیر بخشی از آن رویداد ها بود. بدین ترتیب سال بعد چاپ دیگری کردم. چاپ سوم هم اضافاتی داشت. چاپ پنجم که خیلی اضافه داشت. چاپ ششم و هفتم هم با اضافات چاپ شد. اما اکنون که چاپ هشتم چاپ شده عیناً همان چاپ هفتم است. به این تغییرات مداوم دوستان بعضاً اعتراض می کردند. من از یک جهت اعتراضشان را وارد می دانستم اما نمی توانستم دست از اضافه کردن بخصوص اصلاح بردارم. بخصوص که برخی از اصلاحات به حقوق شخصی افراد مربوط می شد.

■ اظهار نظر ها نسبت به آن چگونه بود؟

حاشیه نویسی برخی از دوستان ادامه داشت. من نسخه ای از آن را خدمت حضرت آیت الله خامنه ای دادم. ایشان بسیار می خواند و بار ها از افراد مختلف شنیده ام که روی آثار آنان مطالبی نوشته اند. روی این کتاب هم یادداشت هایی مرقوم فرمودند. فکر می کنم حوالی هفتاد مورد بود. بعد ها این مطالب را ضمن یک جزوه گردآوری کرده و دفتر رهبری به من داد. آن مطالب را در چاپ ششم افزودم. البته آقای جلال الدین فارسی هم یادداشت هایی روی چاپ سوم نوشته بودند که آنها را در چاپ پنجم به نام خود ایشان در پاورقی آوردم. بسیاری از اصلاحات افراد و دوستان دیگر را هم در متن وارد کردم. روی هم رفته این اظهار نظر ها خیلی به بهبود کار کمک کرد.

■ چه نیازی به این کار وجود داشت؟

فکر می کنم اگر نیازی به آن نبود این چنین مورد استقبال قرار نمی گرفت. شاید دلیلش آن بود که ما همچنان در نگارش تاریخ دوره پهلوی نیازمند کار های بیشتری هستیم. نسلی که انقلاب کرد، سختی های آن دوره را حس کرده و انقلاب کرد، اما تاریخ آن دوره را عیناً نمی شناخت. بخصوص نسلی که پس از پانزدهم خرداد به صحنه آمد ما تحولات دوره پیش از آن یعنی تحولات پس از شهریور ۱۳۲۰ آشنا نبود. این عدم آشنایی بخصوص در تطوری بود که در اندیشه دینی و مذهبی رخ داده و به تدریج ورود در سیاست پیدا کرده بود.

■ در این اثر چه نوع تاریخ نگاری را پی گرفته اید؟

این کتاب از دیدِ دوم نوعی تاریخ فرهنگی است، اما نه مانند تاریخ ادبیات یا تعلیم و تربیت و امثال اینها، بلکه نوعی تاریخ فرهنگی با هدف بررسی این نکته که اندیشه و کتاب و نوشته و نظریه تا چه اندازه آدم های سیاسی می سازد و سپس جریان ایجاد می کند و بعد هم منجر به بروز یک جنبش سیاسی می شود. طبعاً تاریخ اجتماعی یا تاریخ سیاسی نیست، بلکه یک تاریخ فرهنگی است. به همین دلیل سخن از آدم هایی است که شاید معلم یا روحانی ساده ای هستند، اما نوشته های آنها موج ایجاد می کند، یا اگر نه جریانی محدود به راه می اندازد که به انضمام نظریات دیگر راهی تازه در تحولات اجتماعی و سیاسی می گشاید. شخصیت های این کتاب نوعاً سیاسی نیستند، چنان که مقاطعی هم که اساس تقسیم بندی کتاب است، مقاطع مهم سیاسی نیست.

■ آیا تحولات مورد نظر شما روند بخصوصی را طی می کند؟

اساساً بنای کتاب بر همین است که از شهریور ۲۰ به این طرف یک روندی در تحولات فکری - مذهبی آغاز شد که به انقلاب اسلامی ۵۷ ختم شد. شما دقیقاً می توانید شروع یک جریان را که در ظاهر منکوب شده بود، ببینید. روز های نخست مثل آدم خوابی است که بیدار می شود. اما خیلی زود سرپا شده و راه می افتد. قدری از اوضاع عقب مانده و لذا می کوشند تا این عقب ماندگی را جبران کند. گاهی ناشیانه جبران می کند و گاه قدم های درست بر می دارد. یک تجربه مهم در نهضت می دارد. این زمان در حاشیه است. جریان ملی و حزب توده از او قوی تر هستند. البته در برخی از شهر ها مانند شیراز سامان بهتری دارد، اما سردرگم است. این سردرگمی با یک تحول فرهنگی ۱۰ ساله از ۳۲ تا ۴۲ تا حدودی جبران می شود. رهبری جریان مذهبی تا این زمان دست مرجعیت و حوزه نیست، اما به تدریج در این ۱۰ سال این تحول هم صورت می گیرد. در ۴۲ به پختگی می رسد و در نقش رهبری وارد سیاست می شود. اما ته مانده های افکار چپ همچنان نیرومند است و مذهبی ها را به رغم تکاپوی جدی تهدید می کند. اما عاقبت عوامل مختلفی تحول مذهبی را به روز کرده و جهت دار می کنند و در انقلاب ۵۷ می تواند در نقش رهبری باقی بماند و انقلاب را محقق کند. بنده در این کتاب سعی کرده ام تا این روند را بر اساس شواهد تاریخی نشان دهم. البته درباره برخی از این مراحل و مقاطع و اشخاص در گیر نوشته های خوبی بخصوص در این چند سال منتشر شده و باز هم در حال انتشار است.

■ با این همه اختلاف نظری که در تاریخ معاصر وجود دارد، چه کرده اید؟

این ادعا که کسی بگوید تاریخ بدون جهت گیری می نویسد، یک ادعای دروغ است. تنها تفاوت در رعایت موازین وممیار های پژوهشی است. از نظر من مهم برخوردی است که با کتاب از جانب عموم و قشر های مختلف می شود. شما یک وقت برای یک جمع محدود با خط فکری مخصوص می نویسید، یک وقت جمع بزرگتر و بزرگتری را در نظر می گیرید. این به شما بر می گردد. اما درباره مخاطبان، اگر تصور غالب آنها مثلاً بیش از هفتاد، هشتاد درصد تا حدودی مثبت باشد نشان می دهد که جهت گیری شما روی روال و قاعده ای معقول بوده است. هرچه این درصد بالاتر برود بهتر است. تلاش من در جمع میان جهت گیری های مختلف بوده است. البته انتقاد نسبت به کتاب زیاد بوده است، اما غالباً از موضع خاص کتاب در زمینه گرایش ها و جریان های مذهبی به عنوان یک موضع نه لزوماً بی طرف، بلکه غیرجانبدارانه یاد شده است.

■ مثلاً شما تعارض های حساسیت برانگیز میان برخی گروه های اسلامی را چگونه تحلیل کرده اید؟

شما وقتی یک نگاه جامع داشته باشید در ضمن هر کسی را هم در ظرف خودش بگذارید به راحتی می توانید بدون موضع گرفتن مواضع آنها را بیان کنید. آنچه می ماند برخورد هاست که گاه به دیدگاه مربوط می شود و گاه به اخلال برخی از عناصر. وقتی همه این ها را توضیح بدهید، بدون آن که بخواهید از کسی جانبداری کنید، مخاطب خود را در جریان ماوقع قرار خواهید داد. در این بخش من از هیچ اظهار نظری که درباره این مخالفت بوده فروگذاری نکرده ام. هر کسی با هر گرایشی می تواند از آن استفاده کند. اما بالاخره من هم موضعی دارم و آن بر اساس روندی است که در کل کتاب داشته ام و آن نشان دادن غلبه نگره مرجعیت بر امور سیاسی در این دوره و طبعاً احترام به این دیدگاه به عنوان یک حرکت و موضع درست است.

در سال ۷۸ کلاسی برای عده ای از دانشجویان درباره جریان شناسی تاریخ معاصر داشتم، یک خلاصه چهل صفحه ای درباره افکار و اندیشه های اساسی که در دوره پیش از انقلاب بود نوشتم. آن نوشته پایه کتابی شد که سال بعد به عنوان «جریان ها و جنبش های مذهبی در میان سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷» نوشتم

■ در این تحولی که به نظر شما به صورت یک روند رو به رشد بخصوص در بخش سیاسی صورت گرفت، چه چیزی را می توان مهم ترین نکته تلقی کرد؟ در تفکر سیاسی شیعه چه چیزی اهمیت دارد؟

به نظرم اهمیت مسأله در سیاسی شدن دوباره روحانیت پس از یک دوره عقب نشینی در جریان مشروطه است. این حرکت با تکیه روی اصل طراز اول و احیای آن در سال های پس از شهریور بیست آغاز می شود. نخستین بار فدائیان بحث حکومت اسلامی را در بیانیه مفصل خود مطرح می کنند. اندکی بعد کسان دیگری مانند تقوی تحت تأثیر اندیشه های سیاسی اخوانی درباره حکومت اسلامی کتاب می نویسند. در حوالی سال های ۳۸-۱۳۳۷ بحث هایی درباره طرح حکومت اسلامی میان شماری از روحانیون جوان قم نظیر مرحوم بهشتی و دوستانش مطرح می شود. در سال ۴۴ کتاب مفصلی درباره حکومت اسلامی توسط حبیب دعلی قلمداران نوشته می شود که فهم تشیع از دریچه تسنن بخصوص اندیشه های اخوانی است. از سال ۴۸-۴۷ امام بحث حکومت اسلامی را مطرح می کند. این جریان ادامه دارد تا سال های ۵۶-۵۵ که چندین کتاب در این باره نوشته می شود. سیر این نوشته ها و تألیفات نشان می دهد که تحول سیاسی مزبور در چه مسیری گام برداشته وچگونه به انقلاب ۵۷ رسیده است. بنده یک بحث مستقلی درباره این قبیل نوشته ها و تطور آنها در کتاب آورده ام. جدای از این که دو جلد رسائل سیاسی دوره پهلوی را چاپ کردم که اصلش چهار جلد بود و متأسفانه تنها دو جلدش چاپ شد.

■ شما مسأله مکتوبات در یک زمینه بخصوص را دنبال کرده اید. چرا؟

به نظرم تاریخ فرهنگی همین است که شما دنبال کنید درباره یک موضوع مهم فکری که روی جامعه و تاریخ تأثیر دارد، در یک برهه خاص چرا چندین کتاب و مقاله نوشته شده و سرنوشت این نوشته ها چه بوده است. برای مثال در یک دوره خاص تاریخی چندین رساله و کتاب درباره محکم و متشابه نوشته می شود یا در یک مقطع چندین کتاب درباره رجعت نوشته می شود. یا یک مرتبه درباره امر به معروف و نهی از منکر چندین کتاب نگاشته می شود. این مسأله منحصر به دوره معاصر نیست، در قدیم هم همین طور بوده است. فرض کنید در دهه نخست انقلاب مشروطه، ده ها رساله سیاسی در توجیه مشروطه یا رد آن نوشته می شود. جریان شناسی فرهنگی درست همین است که خط این مکتوبات را دنبال کرده و بستر اجتماعی - تاریخی آن را روشن کنیم.

■ اگر اجازه دهید، برویم سراغ اشخاص. شما از افراد زیادی به عنوان کسانی که سازنده افکار ویژه بوده اند، یاد کرده اید. جالب ترین این ها چه کسی است؟

به نظرم این کتاب در این زمینه «پدیده» فراوان دارد. مثلاً محمد باقر کمره ای یک نمونه شگفت بود. من کمتر در مورد ایشان چیزی می دانستم و با دنبال کردن های زیاد توانستم تازه های فراوانی پیدا کنم. آدم شگفتی بود. مثلاً نخستین کسی است که در فضای فکری جدید یک رساله عملیه چهار جلدی مستدل می نویسد و بر این باور است که دیگر رساله عملیه بدون دلیل مورد قبول نسل جدید نیست. یا برای مثال نخستین روحانی است که حق رأی برای زنان در مجلس قائل است و سال ۳۹ چند مقاله در این باره نوشته است. کمره ای بدون این که آدم وابسته به حکومت باشد اصلاحات ارضی را مطابق قواعد شرعی می دانست و در این باره هزینه زیادی هم پرداخت. او نخستین کسی است که بخشی از تاریخ اسلام را به صورت فیلمنامه یا متنی برای نمایش نوشت. او حتی داستان عشق خودش را هم ضمن یک جزوه کوچک نوشت و نامش را روی آن نیاورد. او واقعاً یک پدیده شگفت است. از این قبیل نمونه ها در کتاب «جریانها» زیاد است. اصلاً باور من این است که ما باید در صدد کشف این افراد باشیم تا تاریخ فرهنگی خودمان را درست بفهمیم. البته درباره برخی از اشخاص هم که مشهور بودند، من روابطی را مطرح کردم که گرچه ناشناخته نبود، اما کاربرد آن در تاریخ تفکر دینی معاصر ما جدید بود. مثلاً ارتباط بین خرقانی و طالقانی. یا ارتباط بین خرقانی و قلمداران. یا ارتباط بین طالقانی و حکمی زاده نوسنده اسرار هزار ساله که خواهر زاده آیت الله طالقانی بود. به هر حال از این پدیده ها در کتاب فراوان است و به نظرم باز هم جای کار دارد.

■ روش شما برای استخراج این مطالب چگونه بوده است؟

مثل دیگران. روش تازه ای در کار نبوده است. بیشتر مطالب از کتاب ها و نشریات است. البته یافتن هرچه بیشتر کتاب و نشریه مدیون جست و جوی گسترده است. باید برای چنین کاری ساعات ها آن هم با هدف در میان کتاب های قدیمی جست و جو کرد. برای من یکی از شیرین ترین این ها کتابخانه مسجد اعظم قم بود. این کتابخانه حاوی نشریات و جزوات زیادی است که برای شناخت افکار این دوره به کار می آید. البته این که من مدیر کتابخانه تاریخ هم هستم، خیلی به من کمک کرد. ما در این کتابخانه اکنون نزدیک به ۸۵ هزار جلد کتاب داریم. در میان اینها، از ابتدا من به کتابچه ها خیلی اهمیت می دادم. زیرا بخصوص در یک مقطع این کتابچه ها خیلی ارزشمند بوده اند و نقشی مؤثر در تحولات داشته اند. نشریات زیادی دیده دیدم. از اول تا آخر آنها را ورق زدم. برای تحولات دهه بیست هیچ نشریه دینی مانند «آئین اسلام» به من کمک نکرد. واقعاً عالی بود. اما به جز نشریات و کتابها، از خاطرات افراد هم خیلی استفاده کردم. این البته منظم نبود. هرجا که اشکالی پیدا می شد به حافظه شاهدان نیاز داشتم، سراغ می گرفتم. گاهی هم افراد کمک می کردند. بعد از چاپ ششم برخی از دوستان خاطرات خود را درباره بخشی از کتاب نوشتند. مثلاً سردار رشید درباره درفول چند صفحه ای برایم نوشته و فرستادند که جالب بود. دوستم حاج قاسم تبریزی هر بار کتاب را می خواند، اطلاعاتی در اختیارم می گذاشت. مخصوصاً خاطره هست درباره ناشران آثار مذهبی در تهران پیش از انقلاب مطالب خوبی برایم نوشت و فرستاد.

■ یکی از سؤالاتی که برای من پیش می آید استفاده از گیومه بود. به نظر می رسد شما علیرغم استفاده از نقل قول علاقه چندانی به استفاده از آن ندارید؟

علت اصلی آن به این برمی گردد که من گاهی ملاحظاتی را به نقل قول ها می افزایم. اضافه کردن این ملاحظات از یک سو برای فهماندن مطلب و جلوگیری از سوءتفاهم الزامی به نظر می رسد و از سوی دیگر (اگرچه تلاش کرده ام هرگز تحریفی صورت نگیرد) می بایست اخلاقاً توجه داشت که آن عبارات دیگر دقیقاً نقل قول نیستند. به همین خاطر مجبور می شوم از گیومه استفاده نکنم. اگرچه در کل چندان به گیومه علاقه ندارم.

■ اگر خود تان بخواهید از کتابتان انتقاد کنید، چه اشکالاتی را وارد می دانید؟

یک اشکال را که به من گفته اند و من هم در مقدمه آورده ام و وارد می دانم این است که کتاب در برخی از جهات غنی و در بسیاری از جهات فقیر است. در بخشی از مسائل جست و جوی خوبی صورت گرفته، اما مباحثی هست که خیلی به اختصار آمده و نتیجه گیری ناقص است. گاهی گفته می شود که در برخی از بحث ها به نتیجه گیری نرسیده اید. این هم درست است اما نه در همه موارد. مثلاً درباره دکتر شریعتی این نظر مطرح شده است. این مسأله بیشتر از این که به تحقیق یا تقیه مربوط شود به خود موضوع بر می گردد که تأویل بردار است. خود موضوع چند وجهی است. ممکن است مخاطب انتظار داشته باشد که من یک نظر صریح بدهم و او را راحت کنم اما واقع مطلب این است که با این حال او خلاص می شود اما من ناراحتم. چون شواهد و قرائن چند سویه است و رسیدن به جمع بندی مشکل. پس از نظر من بهتر است هر آنچه می دانم فعلاً اظهار کنم، اما موضع صریح نگیرم. البته اشکالات کتاب بیش از این هاست. کتاب مبانی نظری خوبی ندارد. این طبیعی است چون کتاب من تاریخی است نه اجتماعی. دغدغه اول من تاریخ است تا نظریه پردازی.

تاریخ سازمان های مذهبی

انسان به قفسه نه چندان عریض و طویل کتاب های تاریخ معاصر نگاه می کند و از خود می پرسد: چرا باید در شرایطی که دچار فقر تاریخ نویسی معاصر هستیم، از همین معدود آثار نیز اشکال و ایراد بگیریم. اگر من در همان کتابخانه حاضر باشم، دست روی شانه «انسان» می گذارم و پاسخ می دهم: به خاطر همان «فقر تاریخ نگاری». سپس شاید «انسان» کتاب هشت فصلی «جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران»، یکی از مقبول ترین ها را بردارد و با «بازگشت دین به عرصه» جامعه و سیاست شروع کند. «فعالیت های حوزوی...» را با آن همه نشریه و مدرسه مرور نماید تا به «جریان های مذهبی -سیاسی فعال دهه ۴۰ تا اوایل ۵۰» برسد. با «تاریخ سازمان مجاهدین خلق» به فکر فرو رود و از «حسینیه ارشاد و دکتر شریعتی» لذت ببرد. خودش را با «گروه ها و... در آستانه انقلاب اسلامی» آشنا کند. با «نویسندگان... قدم بزند و در «جریان های تجدیدنظرطلب در عقاید شیعه» غور کند. شیطنت خواندن ماجراهای درگیری های «مدرسه حقانی» عطر نوستالژیک روشنفکرانه در حسینیه ارشاد، بالا رفتن نبض هنگام خواندن ماجرای تروره های سازمان مجاهدین، مقابل نشستن با غروب جلال آل احمد و غربت «فردید»، همه و همه از مقابل به انسان می رسند و او را در خود حلقه می کنند اگر سپس شاید انسان، آن کتاب هشت فصلی را بردارد. هرچند هنگام تورق کتاب دست سؤالاتی گریبان ات را می گیرد اما زخم های فکری چندی آرام می شوند. این که چطور مذهب به عرشه کشتی سیاسی ایران بازگشت؟ چگونه سکان به یک مرجع تقلید سپرده شد؟ یا این که تحت چه روندی گروه های اسلامی جذب شده در سوسیالیسم - کاپیتالیسم، از مرکز رهبریت دور شدند. پس از خواندن کتاب می توان نتیجه گرفت حرکت امام نه یک نوع مدرنیزاسیون بود و نه گونه ای بازگشت به اسلام سنتی. به نظر می رسد یکی از مهمترین انتقاداتی که می توان به این کتاب ارجمند روا داشت نیز همین است. جعفریان، با بازگشت مراجع به ایران پس از سرنگونی رضاشاه آغاز می کند و بدین ترتیب کمتر به رابطه ارگانیک رستاخیز اسلامی - ایرانی (از ۲۰ تا ۵۷) با جنبش های اسلامی معاصر می پردازد. تقویم تجدیدنظرطلبی ها و بیداری های اسلامی در تاریخ بسی مفصل است اما می توان آن را به گونه ای دوره ای و البته مرتبط نشان داد. هرچند در این نگاشته به مراودات شخصیت های حقیقی و حقوقی ایرانی با جهان اسلام پرداخته شده و به حساسیت های امت گریانه آنها اشاره گشته است اما تصویری که از جریان به دست داده می شود در درون بیداری اسلامی معاصر قرار ندارد. شناخت این جریان ها زمانی می تواند روشنی بخش باشد که تفاوت ها، شباهت ها و تأثیر و تأثر های جریان بیداری اسلامی ایران در مقابل بیداری اسلامی سنجیده شود. مقایسه این جریان ها از جهات دیگری می توانست سودمند باشد. جریان بیدار باش اسلامی گاهی در عین مبارزه طلبی اغیار با تجربه های تلفیق گرایانه ناکامی مواجه بود. سوسیالیسم مورد علاقه «جمال عبدالناصر» و چپ منشی نژاد گرایانه حزب بعث نشان می داد که التقاط اسلام با دیگر مکاتب اساساً بی خطر نیست. جریان های بیداری اسلامی گاهی جذب سوسیالیسم - کاپیتالیسم شده و در آن حل شدند و گاهی به ترور با کلاشینکف و بمب های دست ساز تقلیل یافتند. اما اینها تنها برخی نتایج این بیداری بودند جریان های زیادی در آن بین رشد یافتند که در سایه دیگر جریان ها باقی ماند و شهرت نیافتند. بدون در نظر گرفتن داستان مفصل احیا گری لااقل به صورتی مقدماتی و مجمل، این کتاب کمی بی سر می نماید. مسئله بعدی این که متن براساس جریان ها، سازمان ها، گروه ها و نشریات نوشته شده است. از این رو نمی تواند توالی تاریخی - تقویمی داشته باشد. به نظر می رسد تهیه یک نمودار یا جدول می توانست ترتیب طولی و عرضی وقایع را نشان دهد تا بدین ترتیب خواننده با در نظر داشتن آن با راحتی بیشتری بتواند ماجراها را در ذهن خود منظم کرده، درک نماید. مسئله نهایی که شاید به نظر کمی ملا لغتی مآبانه بیاید فقدان لحن؟ داستان گوینانه در زبان مؤلف است. شاید جناب جعفریان چنان درگیر بیان واقعه بودند که از لفظ پردازی غافل مانده اند. هر چند این کار چندان ساده نیست اما می توان با کمی تلاش این اثر را اثر گذارتر کرد.

کتاب را در قفسه می گذارم حالا بیشتر از هفته پیش شهروندی در ایران هستم. نه فقط به این خاطر که به چراغ راهنمایی احترام می گذارم یا روزنامه عصر را مطالعه می کنم، بلکه بیشتر به این خاطر که وقتی در پیاده رو قدم می گذارم هق هق و هیاهوی مبارزه را می شنوم. قدم می زنم و نواب، رزم آرا را می کشد. قدم می زنم، مصدق خسته است. سخنرانی بازرگان شلوغ می شود، تقی شهرام تسویه سازمان مجاهدین را آغاز می کند، شریعتی در سوریه گم می شود، بوی چاپخانه بلند می شود. در زندان را باز می کنند و می بندند، اعدام، ترور، کافه، شعر. و همین طور قدم می زنم.

قابل توجه علاقه مندان به
تحصیل در انگلستان، آلمان و اتریش
ARMANSIS
مؤسسه آرمان سیس خاورمیانه به شماره ثبتی ۱۸۵۳۴
مؤسسه پیام آوران علم نصیر
نماینده ده ها کالج و دانشگاه معتبر
دارای مجوز رسمی از وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
نمونه ای از کالج ها: کالج ابی - کالج بلربیس - امباسی سی.ای.اس - هارو هاوس - کالج ای.اف EF
و جدیدترین دانشگاه طرف قرارداد: دانشگاه سوان سی Swansea University
مشاوره رایگان
با همکاری UK STUDY .COM
◄ دوره های زبان کوتاه مدت (حداقل ۳ هفته) و بلند مدت IELTS و TOEFL و ...
◄ دبستان، دبیرستان و پیش دانشگاهی
◄ کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا
◄ پانسیون کامل یا خوابگاههای دانشجویی باانتخاب متقاضی
◄ بانک اطلاعات تحصیلی
◄ استقبال در فرودگاههای انگلستان - آلمان
◄ سرپرستی قانونی (Guardianship) درصورت نیاز
◄ دوره دکترا در آلمان بدون شهریه
◄ پاسخگویی همه روزه از ۹ صبح تا ۹ شب حتی جمعه ها
www.armansis.com
Email: info@armansis.com
۸۸۶۷۲۴۳۰-۴۳ و ۸۸۷۸۱۱۲۵

دانشگاه شهید بهشتی
آگهی مناقصه
خرید یکصد دستگاه رایانه
دانشگاه شهید بهشتی در نظر دارد یکصد دستگاه رایانه مورد نیاز خود را از طریق آگهی مناقصه عمومی تهیه نماید.
لذا از کلیه شرکت های دارای مجوز صلاحیت از شورای عالی انفورماتیک دعوت به عمل می آید از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته از ساعت ۸ صبح تا ۱۶ بعد از ظهر به نشانی: بزرگراه شهید چمران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، اداره تدارکات و کارپردازی مراجعه و شرایط شرکت در مناقصه را دریافت نمایند.
مدیریت پشتیبانی
دانشگاه شهید بهشتی
۲/۱۴۱۸